

DİRƏNİŞsəsi

Azərbaycan
Milli
Dirəniş
Təşkilatı
" AMDT "

شماره هفتم - 2016 نشریه خبری- تحلیلی تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان (دیرنیش)



دیرنیش سسی

نشریه خبری - تحلیلی تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان (دیرنیش)

سر دبیر: مهندس خدایار تیموری

شماره هفتم سال ۲۰۱۶

فهرست مطالب:

۲ سخن سردبیر؛ چرا با افت تئوری در حرکت ملی مواجهیم؟

بیانیه‌ها

۵ نامه سرگشاده سخنگوی تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان به دبیر حزب دمکرات کردستان
۹ بیانیه تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان در خصوص برخی دستگیری‌ها و شایعات و تخریبات همدفدار
۱۳ بیانیه تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان در خصوص گفت‌وگوها و تنش‌های احزاب کرد ایران
۱۶ بیانیه تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان در خصوص اهانت نشریه فاشیستی طرح نو به ملت ترک
۱۸ بیانیه تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۹۵ - ۹۶

مقالات

۲۲ بررسی "حق تعیین سرنوشت" برای آذربایجان جنوبی در قوانین بین‌المللی
۲۸ چرا هویت طلب هستیم؟
۳۱ نهدن هیچ شاشیرمادیم؟!
۳۳ بحران آب در بستر شکاف قومی در ایران

اخبار

۳۸ دهمین سالگرد تاسیس تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان گرامی داشته شد
۴۱ فایل پی‌دی‌اف ویژه نامه ی توپراق که در آذربایجان جنوبی به مناسبت هفته ی سولدوز منتشر شد
۴۲ آغاز به فعالیت تلویزیون اینترنتی "آزادبازار" در آذربایجان
۴۳ انتشار کتاب "رسانس هویتی تورکان ایران" از محقق آذربایجانی "علی اصغر حقدار" در آنکارا

سخن سردبیر

← چرا با افت تئوری در حرکت ملی مواجهیم؟

در بین طبقه روشنفکر ایران موضوع عدم ظهور نخبگان روشنفکری در دهه‌های اخیر موضوع داغی هست. این مسئله نه تنها در جامعه روشنفکری ایران بلکه در بین طبقه روشنفکر ملل غیر فارس پدیدار شده و جامعه روشنفکر ترک آذربایجان ظهور نخبگان تأثیرگذار مانند تقی زاده، آخوندزاده، پیشه‌وری، نطقی، هیئت و زهتابی و... تجربه نمی‌کند.

در جوامعی که رشد و تقویت علوم انسانی و فلسفه در آن دچار ضعف شده، به نوعی با عدم ظهور نخبه و افت تئوری روبرو می‌شویم، زیرا روشنفکر و نخبه تزریق کننده فکر و اندیشه به جامعه اگر دچار سکون شود پیشرفت فکری جامعه نیز دچار تلاطم شده و ارزش‌ها و مؤلفه‌ها دچار لغزش می‌شوند.

این وضعیت در جنبش‌ها و جریان‌های سیاسی و اجتماعی نیز صادق می‌باشد، نخبگان فکری پایه ریزان تئوریک جنبش‌ها بوده و زمانی که جنبشی و جریان سیاسی و اجتماعی دچار فقر تئوریک شد فروریختن و انحراف آن قطعی هست.

متأسفانه حرکت ملی آذربایجان نیز مدت‌هاست دچار این اپیدمی شده و شکاف، کمبود و افت تئوریک را در حرکت ملی شاهد هستیم.

این عدم ظهور نخبه و افت تئوری باعث رشد سریع و قارچ گونه افراد و شخصیت‌های بی‌ثبات فکری و اخلاقی در داخل جنبش و عدم تعهد و مسئولیت‌پذیری و دیسپلین و هرج و مرجع می‌شود که متأسفانه داخل حرکت ملی چنین حالتی را تجربه می‌کنیم.

سلول و عنصر مبارز وقتی با افت تئوری جامع روبرو می‌شود هدف واقعی مبارزه را از دست داده و گرفتار بازی‌های کودکانه می‌شود ولی سازمان و عنصر مبارز وقتی با بنیه‌های تئوریک قوی پرورش می‌یابد و دارای پشتوانه تئوریک و به‌روز می‌شود مقتدرانه در راه اهداف جنبش فداکاری و آرمان‌شهر خود را دفاع می‌کند.

برای روشن شدن موضوع، زمانی در حرکت ملی آذربایجان با ادبیات خاص ملی‌گرایی و ارزش‌های ملی تورکچولوک وارد مبارزه شد و حول این تفکر به تولید فکر و تئوری پرداخت ولی به علت به‌روز نشدن نسخه‌ها در حرکت ملی با عدم به‌روز شدن و تولید فکر روبرو شدیم و باکمال تأسف و صد افسوس انسان‌های بی‌ثبات با تئوری‌های کذایی حرکت ملی را دچار تضاد و چالش نمودند.

با اینکه بسیاری از دوستان وجود فشار امنیتی و سیاسی را عامل اصلی عدم ظهور نسخه و افت تئوری می‌دانند ولی واقعیت این است که این بخشی از ماجراست ولی تجربه سایر جنبش‌ها در طول تاریخ نشان می‌دهد که نسخه هرچقدر تحت فشار قرار می‌گیرد ادبیات نوین و قدرتمندتری ارائه می‌دهد.

به نظر ما فاکتور فشار امنیتی مورد کوچکی از علت است اما چرایی مسئله مخالفت با تشکل‌گرایی و کادر سازی درست در حرکت ملی هست.

زمانی دانشجوی و فعال جوانی که می‌خواست وارد حرکت ملی به‌شود در مرحله اول می‌بایست با تفکرات ملی‌گرایی آشنا و سپس مطالعات کافی در حول این تفکر داشته و خود را به‌روز کرده سپس وارد جمع می‌شد ولی از چند سال قبل رشد در حرکت ملی صرفاً در گنده‌گویی، بازداشت چندروزه، فعالیت در فضای مجازی و تخریب و ... خلاصه شده و هر عنصری بجای مطالعه بنیان تئوریک حرکت و پرورش خود وارد فضای حیابی و کذایی می‌شود و چون ثبات و قوام و ایمان واقعی ندارد خود را برجسته‌تر از دیگران حس کرده و دچار انحراف شده و از گوشه‌ای به گوشه‌ای خیز برمی‌دارد و متأسفانه سود آن نصیب دشمن می‌گردد.

بنابراین به نظر می‌رسد خانه‌تکانی تئوریک در جنبش ملی آذربایجان و پرورش و سرمایه‌گذاری برای ظهور کادر نسخه ضرورت اساسی هست و بار دیگر می‌بایست با تئوری‌های به‌روز شده وارد گود شد و باز نشر دیرنیش سسی به‌عنوان ارگان تشکیلات مقاومت ملی را در این کوشش جدید می‌توان معنی کرد.

****بیانیہا****

نامه سرگشاده سخنگوی تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان به دیر حزب دمکرات کردستان

جناب مصطفی هجری

دیرکل حزب دمکرات کردستان ایران

چند روز پیش پیام نوروزی جناب عالی و سخنانتان در خصوص آغاز مشی مسلحانه حزب دمکرات کردستان در رسانه های حزبی منتشر و در بسیاری از آژانس های خبری انعکاس یافت.

متأسفانه پیام نوروزی شما که می بایست پیام آور بهار دوستی و برادری باشد به غیر از پیام خشونت، خونریزی و ترور نیست.

جناب مصطفی هجری

در کشور کثرت‌المله ایران، ملل تحت ستم ملی زیر چرخ های سیستم آسیملاسیون نژادی قرار گرفته و حقوق ملی، مدنی و اقتصادی آنها با سیاست های نژاد پرستانه دولت جمهوری اسلامی محو و نابود می شود و ملت کرد نیز همچو ملت ترک آذربایجان به شدیدترین وجهه هدف سرکوب نژادی و سیاسی قرار گرفته و هویت ملی شما نیز همچو هویت ملی ترک های آذربایجان در آسیاب آسیملاسیون نژادی خرد می شود.



اما متأسفانه جناب عالی و برخی از احزاب سیاسی کرد بجای اینکه در این شرایط تلاش کنید پلی برای اتحاد ملل تحت ستم بنزید پل های ارتباطی دوستی ملل محکوم ایران را ویران و بجای آن کینه و نفرت اطراف خود پخش می کنید.

شما بهتر از هر کسی می دانید که ملت ترک آذربایجان در گذشته با روحیه انسان دوستی دست یاری به آوارگان کرد جنگ ایران و عراق و همچنین جنگ اول و دوم خلیج گشوده و مهاجرین کرد عراقی را با مهربانی در داخل جامعه ترک آذربایجانی قبول کرده و وظیفه میزبانی را به خوبی ادا کرده است. شما بهتر از هر کسی می دانید که شعارهای تو خالی ملی گرایان پان فارسیست در مورد ملت کرد اهانت به تاریخ مبارزات ملی کردها بوده و سواستفاده دولت جمهوری اسلامی و ملی گرایان پان فارسیست از انسان و جامعه کرد می باشد. این روزها ملی گرایان پان فارسیست شعار "هرکجا کرد هست آنجا ایران هست" را سر می دهند و متأسفانه برخی از جریان های کرد نیز فریفته بازی آنها شده اند و به عنوان یک مظلوم به جای قرار گرفتن در کنار مظلوم در کنار ظالم جای می گیرند.

جناب مصطفی هجری

حزب دمکرات کردستان و کومله که مدعی مبارزه در راه منافع ملت کرد می باشند بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ عملکردی اشتباه در قبال ملت ترک آذربایجان داشته و بجای تقویت پیوندهای تاریخی دو ملت آنها را رو در روی هم قرار داده و با عملکردهای غیر قابل قبول ملت ترک آذربایجان را مورد هدف قرار داده اند.

استراتژی مبارزاتی حزب شما در قبال جمهوری اسلامی ایران تا آنجا که ناقض حقوق مادی و معنوی ملت ترک آذربایجان نباشد به حزب شما مربوط است ولی چگونه است که شما و همفکرانتان در بسیاری موارد به جای جمهوری اسلامی ملت ترک آذربایجان را هدف گرفته اید و می گیرید. چگونه است که حزب دمکرات کردستان و کومله که مدعی دفاع از منافع ملت کرد می باشند بجای پیشبرد استراتژی های سیاسی و نظامی در استان کردستان و کرمانشاه فعالیت خود را بر استان آذربایجان غربی و خصوصاً شهر اورمیه متمرکز کرده اید؟ استان اورمیه نامیدن استان آذربایجان غربی توسط شما و همفکرانتان چه معنی دارد؟!

جناب مصطفی هجری

ما در مورد فعالیت های مسلحانه گروههای کرد در مناطق غربی آذربایجان بارها هشدار داده ایم. گروه تروریستی پ ک ک در سوریه و ترکیه مشغول جنایت علیه انسان های بی گناه می باشد و شاخه ایرانی آن پژاک نیز به دلیل سیاست های هدفدار و مودیانه دولت جمهوری اسلامی ایران در مناطق غربی آذربایجان جولان می دهد.

امروز شاهد آن هستیم که گروه تروریستی پ ک ک و مشتقاتش در سوریه با قتل و غارت و اخراج ترکمن ها و عرب ها کانتون هایی به ظاهر خودمختار ایجاد کرده و گروه پ ک ک نیز با حمایت قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای در مناطقی از جنوب شرق ترکیه ایجاد نا امنی کرده و به زعم خود در پی ایجاد جنگ داخلی و کانتون سازی در ترکیه است. هماینان در پی مثلاً کانتونهایی در داخل مرز های ایران هستند و جالب است که این کار را نه در استان کردستان بلکه در استان آذربایجان غربی می خواهند انجام دهند.

حال حزب دمکرات کردستان و شخص شما پیام نوروزی را به پیام آغاز مبارزات مسلحانه تبدیل کرده و در سال ۱۳۹۵ پیام قتل و خشونت صادر می کنید و لابد شما نیز قصد دارید فعالیت مسلحانه تان را از آذربایجان غربی شروع کنید. یعنی همان خطایی که در سال ۵۸ مرتکب شدید. عجب است که از تاریخ هیچ درس نمی گیرید!

جناب مصطفی هجری

بواسطه این نامه سرگشاه به اطلاع می رسانیم که تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان که حساسیت بسیار بالایی در خصوص حضور و فعالیت گروه های تروریستی در غرب آذربایجان دارد پیام نوروزی شما را به فال نیک نگرفته و دارای دغدغه های جدی می باشد. مشی مسلحانه حزب متبوعتان تا زمانی که محدود به استانهای کردستانی باشد مربوط به شما و حزبتان می باشد ولی در صورتی که این فعالیتهایتان به اراضی تاریخی آذربایجان سرایت کند از دیدگاه ما مصداق تروریسم بوده و شدیداً محکوم است. از نظر ما در صورتی که چنین تداخلی صورت بگیرد، که متأسفانه در اثر تجارب گذشته و شرایط موجود احتمال آنرا بسیار زیاد می دانیم، این گونه فعالیت های شما ناقض منافع ملل تحت ستم ملی در ایران خواهد بود و ضربه ای خواهد بود به جبهه ملل تحت ستم در ایران.

در چنین شرایطی مطمئناً شما پاسخ مناسب را از ملت ترک آذربایجان دریافت خواهید کرد و تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان نیز به عنوان بخشی از حرکت ملی آذربایجان از تمام امکانات خود برای مقابله با اقدامات تروریستی شما استفاده خواهد کرد، چه به عنوان حق دفاع مشروع این خصوص حق بی قید و شرط ماست.

بابک چلبیانی

سخنگوی تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان

واشنگتن ۱۳۹۵/۱/۴

بیانیه تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان در خصوص برخی دستگیری‌ها و شایعات و تخریبات هدفدار

ملت شریف آذربایجان

مسئولین محترم رسانه های جمعی

نظام جمهوری اسلامی ایران و نهادهای امنیتی تحت امرش که حول محور دشمن تراشی و نگاه سخت‌گیرانه امنیتی تلاش دارد اقتدار سیاسی خود را بر جوامع انسانی حکم‌فرما کند؛ علیرغم شعارهای عوام‌فریبانه در باب وجود آزادی‌های مدنی و اجتماعی و تحمل‌اندیشه مخالف در صحنه سیاست، فرهنگ و اجتماع هیچ صدای منتقد و معترضی را تحمل نکرده و با تهدید و تخریب و زندان و حتی اعدام، دگرباشان و دگراندیشان را سرکوب می‌کند.



در ماه‌های اخیر خصوصاً بعد از حضور و ظهور قوی و ملموس نیروی ملی در سطوح مختلف جامعه آذربایجان و تاثیرگذاری غیر قابل انکار فعالین ملی در تحولات سیاسی و اجتماعی، چرخ‌شانناژ و تهدید دستگاه امنیتی نظام سیاسی به حرکت در آمده و چراغ هشدار بواسطه تریبون‌های مزدبگیر روشن شده است.

متأسفانه در این راستا دست‌های آلوده به منفعت‌های شخصی و ... با اجرای اوامر صادر شده از محافل امنیتی، سناریوی پرونده‌سازی و اتهام‌افکنی اجرا و بسترسازی برای بازداشت فعالین ملی آماده می‌شود.

گستره سناریو عنوان شده تنها به تربیون مزدبگیران خودی ختم نشده و عوامل فعال گروه‌های فاشیست پان‌فارسیست و تروریستی پ.ک.ک و آسالا ارمنی در فضای مجازی برای بسترسازی و اجرای این سناریو استارت زده و به حرکت درآمده است.

در حالی که مقامات امنیتی و قضایی ایران از آزادی و حقوق مدنی و مطالبات به اصطلاح منطقه‌ای و قومی! سخن می‌رانند، پروژه سرکوب سراسری حرکت ملی آذربایجان در سطح وسیع مصوبه آبان ۹۴ شورای عالی امنیت ملی توسط ارگان‌های امنیتی در حال رقم خوردن بوده و با شایعه‌سازی و اتهام‌سازی‌های مضحک بستر را برای بازداشت گسترده فعالین ملی آماده می‌کنند.

جمهوری اسلامی ایران که هیچوقت در مقابل مطالبات مشروع مردمی تمکین نمی‌کند؛ در چندین دهه عمر سیاسی خود برای جمع آوری و برخورد با دگراندیشان و گروه‌های سیاسی مخالف و منتقد شیوه‌های غیر اخلاقی مختلفی را اجرا و سپس با تبلیغات رنگارنگ فعالین و دگر اندیشان را همچو خائنین و دشمنان بازداشت و راهی زندان کرده است.

تاریخ سی و اندی سال فضای سیاسی ایران و تجربیات برخورد با جریان‌های سیاسی مخالف و حتی شخصیت‌های منتقد داخل نظام با مدلی خاص انجام می‌گیرد و آن رادیکالیزه کردن فضای سیاسی و امنیتی و ایجاد بحران کذایی و تشکیل جریان‌های موازی رادیکال و بسط خشونت تحت عناوین و شعارهای مخالفین می‌باشد.

پرونده سازی‌های دروغین و اعترافات کذایی و بمباران تبلیغات رسانه‌ای علیه یک جریان، همواره بشارت سرکوب آن جریان توسط نظام سیاسی را داشته و دارد.

بعد از قیام ضد آپارتایدی ۱۳۸۵ آذربایجان و رشد تشکل‌گرایی در بین طبقات مختلف جامعه آذربایجان، دستهای ناپاکی با اوامر مراکز خاص تلاش دارد که تحت عناوین مختلف حرکت ملی آذربایجان را به سوی شیوه‌های خشونت‌آمیز سوق داده و با لجن‌مال کردن و اختلاف افکنی و... چهره‌ای متفاوت از حرکت را در مقابل دیدگان قرار دهند تا از سوی دیگر پیاده نظام و مزدوران محافل خاص که مشغول تغییر چهره حرکت ملی می‌باشند؛ توپخانه مطبوعاتی موجب بگیر اتهام‌های کذایی مانند: جاسوسی، تجزیه طلبی، پان‌ترکیستی و... علیه

فعالین صادق و مومن حرکت ملی صادر کنند تا افکار عمومی را برای بازداشت و زندانی کردن فعالین و سرکوب گروه های سیاسی آماده سازند.

تجربه این گونه برخوردها در حرکت ملی کم نبوده همچنان که تشکیلات گاموح - تشکیلات ینی گاموح و... دچار آن شد.

عوامل مزدور به دستور طراحان و مجریان سرکوب ابتدا به تخریب سپس به انشعاب و سپس اقدامات رادیکالی تحت نام تشکیلات می پردازند و بستر را برای بازداشت جمعی آماده می کنند.

مدتی هست افراد معلوم الحال و مواجب بگیر که سابقه و ماهیت آنها در آرشیو تشکیلات مقاومت ملی موجود می باشد؛ تخریبات و شایعات رنگارنگی را علیه تشکیلات متبوع ما راه انداخته و حتی پا را از مرز شرافت و مردانگی بیرون گذارده و با بزدلی به افشا عناصر تشکیلاتی مان می کنند؛ بطوریکه حتی اتهاماتی که دولت ایران جسارت طرح آنها را نداشته بر علیه تشکیلاتمان صادر می کنند که بی تعارف تنها در چارچوب بی شرفی سیاسی می گنجد.

اخیرا نیز با انتشار بیانیه های کذایی به نام «تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان» فضایی پر از ابهام و شبهه را در فضای مجازی و افکار عمومی ایجاد کرده اند و با صدور فتوای مختلف همچو نبرد در قاراباغ اشغالی و جنگ مسلحانه با دولت و گروه های تروریستی و... درصدد هستند فضایی آلوده فراهم آورده و توطئه کثیفی را رقم زنند.

دنباله این جریان از سایتها و گروه های مجازی تروریست های پ.ک.ک و آسالا و فاشیست های پان فارسیست سر در آورده و آنها نیز خواستار اعدام فعالین حرکت ملی می شوند؛ واقعا بی شرفی تا چه حد؟

ما به عنوان «تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان» بارها تاکید کرده و می کنیم که انسجام و کار و بسط و نفوذ تشکیلاتی مان بیم و هراس را بر پیکره دشمنان ملت تورک آذربایجان حاکم کرده و گسترش و رشد «تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان» در لایه های اجتماعی جامعه آذربایجان ترس واقعی بر اندام دشمنان افکنده است و آنها برای مقابله و سرکوب تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان حاضرند به هر دری بکوبند.

«تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان» بار دیگر ضمن هشدار به عوامل مزدور به ظاهر خودی و طراحان و مجریان پروژه سرکوب و عوامل رسانه‌ای آنها اعلام می‌دارد که تشکیلات مقاومت ملی توطئه آنها را افشا و رسوا خواهد نمود.

بواسطه این بیانیه نیز به اطلاع ملت تورک آذربایجان و فعالین حرکت ملی و مسئولین رسانه‌های جمعی می‌رساند که تنها منبع اعلام مواضع، خبر و تحلیل تشکیلات مقاومت ملی سایت‌ها و سخنگوی تشکیلات بوده و هر گونه سوء استفاده از نام این تشکیلات بخشی از پروژه فوق‌الذکر ارگان‌های امنیتی ایران می‌باشد و هیچ تغییری در مشی مبارزات سیاسی و مدنی تشکیلات برای کسب حق تعیین سرنوشت سیاسی ایجاد نشده و مسئولین و کمیته‌ها و هسته‌های تشکیلاتی با اقتدار به مبارزات سیاسی خود ادامه خواهند داد.

تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان (دیرنیش)

سه شنبه دوم تیرماه نود و پنج

بیانیه تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان در خصوص گفتمان توسعه طلبانه و تنش زای احزاب گرد ایران

وجدانهای بیدار، ارباب رسانه و انسانهای آزاده

در حالی که کشورهای مختلف خاورمیانه درگیر جنگهای خانمانسوز هستند و هر روز هزاران انسان بی گناه قربانی هوس قدرت و شهوت خون صاحبان زر و تزویر می شوند و در شرایطی که در کشور ایران بیداد استبداد دینی و نژادی عرصه حیات را هر روز بر تمامی ملل ساکن در کشور ایران تنگ تر و تنگ تر می کند و در وانفسای که خودکامگان و انحصارطلبان نژادی با مظالم مضاعف خود ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتی محیط زیستی ملل تحت ستم ایران را هر روز ویران و ویران تر می کنند متأسفانه شاهد آن هستیم که برخی تشکل های سیاسی و رسانه های کرد ایران که ادعای نمایندگی خلق مظلوم و ستم کشیده کرد را دارند به جای تقویت حس همبستگی و اعتماد متقابل در بین ملل تحت ستم ایران با ادبیات توسعه طلبانه و جنگ افروزانه خود نه تنها آب در آسیاب مرکز نشینان مستبد می ریزند بلکه باعث ایجاد بد بینی و سو ظن در میان ملل تحت ستم ایران می شوند. در بحبوحه ای که جبهه ملل تحت ستم ایران بیش از هر زمانی نیازمند نزدیکی و همدلی مبارزان ملت های مختلف ایران می باشد تا در آینده بتواند بر دشمن مشترک که همانا سیستم و ذهنیت انحصارطلب و خودکامه نژادی-دینی است فائق آید، ادعاهای واهی ارضی و توسعه طلبی مایخولیایی برخی تشکل های سیاسی و رسانه های کرد بر علیه ملت ترک آذربایجان واقعاً جای تاسف و حیرت دارد.

در ماه های اخیر شاهد آن هستیم که برخی تشکل ها و رسانه های کرد به صورت کاملاً هدفدار و البته سازمان یافته از به کار بردن نام استان آذربایجان غربی خودداری کرده و به جای آن از نام من درآوردی و خود ساخته استان ارومیه استفاده می کنند که در هیچ تاریخی در هیچ جایی ثبت و یا کاربردی نداشته است. البته بر همگان واضح است که این جریانها با این عمل غیر مسئولانه و موذیانانه که مغایر با روح دوستی و حسن همجواری

خلفهای آذربایجان و کردستان است به زعم خود در پی حذف نام آذربایجان از بخش بزرگی از اراضی تاریخی آذربایجان هستند!

هم چنین در عملی مشابه و در پی اعتصاب اصناف شهرهای کردستان ایران که به دعوت حزب دمکرات کردستان ایران انجام شده بود، همان تشکیله و رسانه و از جمله مسئولان حزب دمکرات کردستان ایران با آوردن نام شهرهای اورمیه و سولدوز (نقده) در ردیف شهرهای کردستان و اذعان اینکه در این شهرها نیز اعتصاب صورت گرفته است مثلاً در پی تجدید ادعاهای ارضی مالخیولیایی خود بر آمده اند. این در حالی است که به استناد تمامی تحقیقات های میدانی و بررسی شاخص های مختلف اکثریت قاطع ساکنین شهرهای آذربایجانی اورمیه و سولدوز (نقده) ترک آذربایجانی می باشد و اساساً در روزهای اخیر در مراکز شهر و محلات اصلی این شهرها هیچ اعتصابی صورت نگرفته است. همچنانکه در گزارشهای تصویری که در سایت های کردی در خصوص این اعتصاب ها منتشر شده است هیچ عکسی از شهر های اورمیه و سولدوز (نقده) منتشر نشده است.

جای بسی تأسف و بهت و حتی انزجار است که این جریانها بدون در نظر گرفتن حقایق تاریخی و کنونی منطقه و بدون درس گرفتن از حوادث گذشته نزدیک که جز خون و اشک و زجر دست آوردی برای انسانهای مظلوم نداشته است همچنان بر طبل زیاده خواهی و طمعکاری می کوبند و در خیالات خام سیر می کنند.

ما به عنوان تشکیلات مقاومت آذربایجان ضمن حمایت از مبارزات آزادیخواهانه خلق زجر دیده کردستان ایران و اذعان و احترام به تمامی حقوق فردی و اجتماعی اقلیت کرد ساکن در شهرهای آذربایجان علی الخصوص اورمیه و سولدوز (نقده) و تاکید بر حقوق دوستی و همسایگی خلق های آذربایجان و کردستان و لزوم همبستگی و نزدیکی در جبهه ملل تحت ستم ایران، اعلام می کنیم ادبیات غیر دوستانه و بلکه خصمانه برخی جریانهای کرد در خصوص تکرار متوهمانه و بیمار گونه ادعاهای ارضی بی پایه بر علیه تمامیت سرزمینی آذربایجان از نظر ما مذموم و محکوم می باشد و جای هیچ گونه مماشات و تسامح ندارد.

ما به جریان هایی که ادعای نمایندگی خلق کرد را دارند ولی با اشتباهات خود در گذشته هم خلق کرد و هم خلق ترک را متحمل آسیب های فراوان کرده اند و از قرار معلوم هیچ درسی نیز از گذشته نگرفته اند شدیداً

اخطار می دهیم که ملت ترک آذربایجان ضمن جدا دانستن حساب خلق کرد از این جریانهای خیال پرداز و دشمن تراش، هیچ گونه گذشت و نرمشی در قبال این افکار و تخیلات مالیخولیایی از خود نشان نخواهد داد. ملت ترک آذربایجان با تمام امکانات در مقابل متجاوزان به حریم مادی و معنوی خود خواهد ایستاد و در صورت لزوم از استفاده از حق دفاع مشروع هیچ ابایی نخواهد داشت.

ما بار دیگر با دعوت این تشکل ها و جریانها به عقلانیت، واقع گرایی و رعایت حقوق همجواری از آنان می خواهیم بیش از این با آلت دست شدن به آمال مراکز قدرت منطقه ای و فرا منطقه ای آب به آسیاب دشمن مشترک نریزند و به جای نفرت پراکنی و تنش زایی به فکر اعتماد سازی متقابل و تحکیم جبهه مبارزات مشترک ملل تحت ستم ایران باشند.

تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان

تبریز ۲۴ تیر ۱۳۹۵

بیانیه تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان در خصوص اهانت نشریه فاشیستی طرح نو به ملت ترک

ملت ترک آذربایجان؛

اصحاب رسانه؛

نویسندگان، روشنفکران و وجدان های آگاه؛

فعالین صدیق حرکت ملی آذربایجان؛

باز قلم به مزدان وابسته به محافل نژاد پرست پان ایرانیست ملت ترک آذربایجان را مورد آماج کین و نفرت خود قرار داده و این بار زهر اهانت نژادی خود را از نشریه ای به نام طرح نو در پایتخت آذربایجان علیه ملت ترک آذربایجان جاری ساختند.

ما به خوبی می دانیم که اهانت نژادپرستانه اخیر نشریه طرح نو علیه هویت و هستی ملت ترک نشأت گرفته از افکار مسموم ضد آذربایجانی و ضد ترک لانه کرده در درون لایه های حکومت می باشد که در مقاطع مختلف با اهدافی خاص منتشر می شود و این بار نشریه طرح نو در شهر تبریز مرکز معنوی ترک های آذربایجان استارت خورده که دهن کجی واقعی به ملت ترک آذربایجان می باشد.

متأسفانه روند رو به رشد اهانت های نژادی در مطبوعات ایران هر روز شتاب بیشتری می گیرد و به رغم اعتراضات ملتمان نه تنها گوش شنوایی در کار نیست بلکه مغرضان و بدخواهان ملت ترک به عمد انگشت بر حساسیتهای ملتمان می گذارند.

تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان ضمن محکومیت و اعلام انزجار از تحرکات سیستماتیک و دامنه دار جریانهای نژاد پرست در ایران که هر روز در قالب دیگری خود را نشان می دهد و امروز در قالب نشریه طرح نو

نمود یافته است اعلام می دارد از کلیه اعتراضات ملت ترک آذربایجان بر علیه توهین سخیفانه نشریه طرح نو به ملت ترک خواه در استادیومهای ورزشی، خواه در دانشگاهها و خواه در سطح شهرها حمایت می کند و معتقد است این اعتراضات نه تنها معطوف به یک نشریه فاشیستی بلکه نسبت به جریان نژادپرست و فاشیستی است که در لایه های مختلف دولت نهادینه شده و متداوماً ملت ترک آذربایجان را آماج حملات و تخریبات مادی و معنوی خود قرار می دهد.

تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان همچنین از مقامات و مسئولین آذربایجانی می خواهد از خواب خرگوشی بیدار شده و واقعیات را ببینند و ورای محکومیت های خشک و خالی به فکر اقدامات عملی علیه بد خواهان ملتمان باشند.

تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان

تبریز ۵ مرداد ۱۳۹۵

بیانیه تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۹۵ - ۹۶

ملت تورک آذربایجان

بار دیگر اول مهر فرارسید و بار دگر خانواده‌ها با شور و شوق فراوان فرزندان خود را برای نشستن پشت میز کلاس‌های درس آماده می‌کنند.

شاید برای اول مهرماه برای کودکان و دانش آموزان روز شادی و مسرت برای شروع تحصیل و آشنایی با دوستان جدید باشد ولی واقعیت این هست که اول مهرماه هرسال تداوم مرگ فرهنگی و هویتی ملل غیر فارس در چارچوب کشوری به نام ایران به شمار می‌آید که همانا مصداق پاک‌سازی نژادی است.

در کشورهای متمدن، آزاد و دمکراتیک وقتی کلمه پاک‌سازی نژادی برای روز آغاز کلاس‌های درس به کار ببریم شاید مسخره و نامفهوم و تعجب‌آور باشد زیرا در کشورهای دمکراتیک نهاد آموزش و پرورش فارغ از کنترل حکومتی و نژادپرستی به کار حرفه‌ای خود دوام می‌دهد و همه انسان‌ها حتی اقلیت‌های قومی با زبان مادری خود سال تحصیلی را آغاز می‌کنند و به همین دلیل آمار افت تحصیلی در این جوامع پایین است.

ولی در کشوری مانند ایران با جوامع زبانی متفاوت که حکومتی غیر منتخب بر آن حاکم می‌باشد، سیستم آموزش و پرورش تحت کنترل کامل سیستم حاکم بوده در عین حالی که تفکرات انحصارطلبانه و عقیدتی خود در سیستم آموزشی تزریق می‌کند، سیاست آموزشی تک‌زبانی را به شدت اجرا و در کتب درسی نیز شاهد تحقیر نژادی ملل غیر و سایر نژادها می‌باشیم.

متأسفانه فرهنگ مذموم اهانت به ملل و سایر نژادها در تاروپود جامعه ایران نفوذ و ملل غیر فارس همان‌گونه که در سیاست و اقتصاد و فرهنگ با تبعیض و سرکوب روبرو می‌باشد، سیستم آموزشی نیز از این فرهنگ بی‌بهره نبوده و حق تحصیل به زبان مادری در ایران حقی ممنوعه می‌باشد و مطالبه آن با زندان و سرکوب روبرو بوده و کتب درسی مملو از تحقیر نژادها خصوصاً جامعه ترک‌تباران می‌باشد.

بنابراین اول مهر برای جوامع مدرن و دمکراتیک آغاز شور و شوق تحصیلی می‌باشد ولی برای ملت تورک آذربایجان تکرار سرکوب حقوق و مرگ نژادی به شمار می‌آید و به خاطر آینده فرزندان خود ناخواسته و بالاچار به سیستم کنونی تمکین و فرزندان خود را راهی مدارس می‌کنند.

البته در کنار این اجبار آموزشی مبارزات و مقاومت ملی در مقابل سیاست پاک‌سازی نژادی در بین ملت تورک آذربایجان با جسارت و شهامت انجام گرفته و برای کسب حق آموزش و پرورش به زبان مادری و توقف ماشین هضم و پاک‌سازی نژادی رژیم جمهوری اسلامی شبانه و روز تلاش می‌کند و در این فرزندان صادق تورک آذربایجان متحمل زندان و شکنجه‌ها می‌شوند.

نظام جمهوری اسلامی ایران که با فشارها و مطالبات روز افروز تورک‌های آذربایجان روبرو می‌باشد برای پایین آوردن این فشارها اقدام‌های کذایی مانند برگزاری یک‌ترم تحصیلی در دانشگاه را شروع که از دیدگاه این تشکیلات سرپوش گذاشتن و گمراه کردن جامعه می‌باشد و آموزش و تدریس زبان مادری می‌بایست از اولین سال تحصیلی در مدارس انجام پذیرد.

باینکه بعضی تلاش‌هایی از سوی نمایندگان تورک مجلس در این خصوص آغاز شده ولی محافل تاریک‌اندیش نژادپرست و حاکمان کوتاه‌بین به شدت در مقابل این طرح نمایندگان ایستاده‌اند و مخالفت می‌ورزند.

علیرغم نقاط ضعف و ایرادات طرح نمایندگان تورک مجلس شورای اسلامی تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان حمایت خود را از این طرح اعلام کرده و در چارچوب مبارزات پارلمانیستی برای به ثمر رسیدن این طرح در کنار تشکیل فراکسیون نمایندگان مناطق تورک نشین مجلس تلاش خواهد نمود ولی ارائه این طرح‌ها مانع مبارزات مدنی و تشکیلاتی برای کسب حق تعیین سرنوشت ملی-سیاسی این تشکیلات نخواهد شد و تشکیلات مقاومت ملی مبارزات و مقاومت ملی برای کسب حقوق ملی تورک‌های آذربایجان را در مدارس، دانشگاه‌ها، کارخانه‌ها و خیابان‌ها بدون خستگی ادامه خواهد داد.

تشکیلات مقاومت ملی نمی‌تواند آغاز سال تحصیلی جدید را به خانواده‌ها و انسان تورک آذربایجان تبریک بگوید زیرا بسیاری از فعالین حرکت ملی صرفاً به خاطر دفاع از زبان مادری و کسب حق تحصیل به زبان

مادری در زندان‌های نظام جمهوری اسلامی بسر می‌برند و فرزندان آن‌ها نیز به‌ناچار در اول مهر به مدرسی خواهند رفت که پدر و برادرانشان به خاطر آن زندانی هستند.

تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان از همه خانواده‌های مسئولیت‌پذیر تورک آذربایجانی می‌خواهد که درحالی‌که به‌ناچار فرزندان خود را به سیستم و دستگاه تصفیه فرهنگی و هویتی نظام جمهوری اسلامی می‌سپارند، مدارس و دانشگاه‌ها را به محل اعتراض و مطالبه کسب حق تحصیل به زبان مادری تبدیل و با مبارزات مدنی و حضور در انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس و توزیع رایگان کتب آموزشی ترکی در مدارس و بین دانش آموزان به ترویج و تبلیغ زبان و ادبیات و تاریخ ملت تورک آذربایجان پرداخته و با کارشکنی در مقابل سیستم‌های اجرایی پاک‌سازی نژادی گامی مهم برای پیروزی ملت ترک آذربایجان در کسب حقوق و مطالبات بردارند.

تشکیلات مقاومت ملی از همه کمیته‌های شهری و هسته‌های خود می‌خواهد که با تهیه سی دی و جزوات آموزشی منتشرشده از طرف تشکیلات و توزیع آن‌ها به خانواده‌های مایل در شرکت در مبارزات مدنی در مدارس و دانشگاه‌ها یاری رسانیده و شیوه‌های مقاومت ملی را آموزش دهند.

به امید جامعه‌ای دمکراتیک و فاقد نژادپرستی و نژاد ستیزی و آزادی همه زندانیان سیاسی

تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان

تبریز

۳۱ شهریور ۱۳۹۵

**** مقالات ****

بررسی "حق تعیین سرنوشت" برای آذربایجان جنوبی در قوانین بین‌المللی

حق تعیین سرنوشت، گرچه از نظر تاریخی برای نخستین بار در قانون اساسی ایالات متحده به صورت «حق» مردم برای انتخاب و مشارکت در تشکیل حکومت به رسمیت شناخته شد و در اعلامیه چهارده ماده‌ای ویلسون رئیس‌جمهور امریکا (۱) در جریان جنگ اول جهانی و همچنین میثاق جامعه ملل به صورت حمایت از اقلیت‌های قومی جایگاه برجسته‌ای پیدا کرد، اما در منشور ملل متحد با پیشنهاد اتحاد شوروی وارد شد (۲) و نام سازمان به پیشنهاد چرچیل از اشعار لرد بایرون انگلیسی از «ملل» متحد گرفته شد (۳) تا برخاسته از همین اصل باشد.

اتخاذ این اصل به تلاش برای مقابله با حق اکتساب سرزمین به وسیله زور و عدم توجه به منافع مردم سرزمین مورد بحث بازمی‌گردد. در ۱۴ اوت ۱۹۴۱ که اعلامیه مشترک امریکا و انگلیس به نام «منشور آتلانتیک اصول آمریکایی و انگلیسی» منتشر شد، ملاحظاتی را درباره جنگ و اهداف امضاکنندگان برای آینده سیستم بین‌المللی در برداشت. امضاکنندگان این منشور رسماً تصرف ارضی و سایر شیوه‌های تفوق طلبی را محکوم و مخالفت خود را با هرگونه تغییرات مرزی که بر ضد «خواست‌های آزاد مردم» صورت گرفته باشد، اعلام کردند. آنان حق «همه مردم برای انتخاب شکل حکومتی که تحت لوای آن زندگی می‌کنند» را محترم شمردند (۴).

در زمان تهیه پیش‌نویس منشور حقوق ملل متحد و با توجه به بحث‌هایی که در کنفرانس‌های مقدماتی شده بود، کمیته مسئول تهیه پیش‌نویس نیز چندین نکته را برای اعمال اصل تعیین سرنوشت ضروری دانسته بود: رابطه نزدیک این اصل با خواست واقعی مردم که به طور آزاد بیان می‌شود و مطابقت این اصل با اهداف و اصول منشور از جمله اصل تمامیت ارضی؛ فقدان هیچ‌گونه الزامی برای به استقلال رسیدن اقلیت‌ها (۵).

حق تعیین سرنوشت حقی جمعی است؛ بدین معنا که بیشتر به عنوان حق مردمان شمرده شده نه حق هر فرد. در مواد ۱ و ۵۵ منشور ملل متحد و در ماده ۱ میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز حق ملت‌ها برای تعیین سرنوشت خود شناخته شده است؛ بنابراین هرچند این حق

شناخته شده در حقوق بین الملل، جنبه فردی نیز دارد که نمونه آن ماده ۲۵ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است، ولی با توجه به مواد ۱ و ۵۵ منشور ملل متحد و ماده ۱ مشترک در دو میثاق، آن را باید حقی جمعی دانست که مردمان از آن برخوردارند و می توانند از آن به صورت جمعی بهره مند شوند. دیگر ویژگی برجسته حق تعیین سرنوشت، پیوند نزدیک این حق با خواست واقعی مردمان است که باید آزادانه بیان شود. بدین معنا که حق تعیین سرنوشت متعلق به همه اعضای یک جامعه دانسته شده و آن ها باید این حق را دور از هرگونه فشار و در فضایی آزاد اعمال کنند.

«اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و مردمان مستعمرات» در قطعنامه ۱۵۱۴ مجمع عمومی سال ۱۹۶۰ را می توان آغازگر روند استعمارزدایی و رسمیت بخشیدن به آن در سازمان ملل دانست. در این قطعنامه با تأیید مجدد حقوق مساوی برای تمامی مردان و زنان جهان، ایجاد شرایطی بر اساس احترام به حقوق برابر و حق تعیین سرنوشت همه مردم و رفاه و صلح برای مردم جهان پیشنهاد شد و احترام جهانی برای حقوق بشر و آزادی های اساسی بدون هیچ تبعیضی بر اساس نژاد، (۶) جنس، زبان یا مذهب عنوان شد.

همچنین در این سال اعلامیه ۱۵۴۱ مجمع عمومی سازمان ملل نیز سه راه برای خودمختاری کامل سرزمین های غیرمستقل تعریف کرد. دو سال بعد از صدور این اعلامیه ها، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کمیته ویژه ضد استعمار (استعمارزدایی) را تأسیس کرد تا بر اجرای این قطعنامه ها (۷) نظارت کند.

در قطعنامه ۱۸۰۳ مجمع عمومی با عنوان «حاکمیت دائم بر منابع طبیعی» نیز که در ۱۴ دسامبر ۱۹۶۲ صادر شد، به نوعی بر حق تعیین سرنوشت اقتصادی ملت ها اشاره کرده و حاکمیت دائم بر روی ثروت و منابع طبیعی را جزئی (۸) اساسی از حق تعیین سرنوشت مردم عنوان می کند.

از دیگر اسنادی که در دهه ۱۹۶۰ میلادی در آن به حق تعیین سرنوشت اشاره شده و حائز اهمیت بسیاری است، پیش نویس دو میثاق بین المللی مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی و اجتماعی است که در سال ۱۹۶۶ در مجمع عمومی به تصویب رسیده و در ۱۹۷۶ به اجرا درآمدند (۹).

ماده نخست هریک از این دو میثاق در نخستین بند خود اعلام می دارد همه مردم اختیار تعیین سرنوشت خویش را دارا هستند و بنابراین مختارند نظام سیاسی خویش را معین نموده و آزادانه به توسعه

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش همت گمارند. برابر بند سوم میثاق، همچنین کشورهایی که مسئولیت اداره سرزمین‌های غیر خودمختار و تحت قیمومیت را به عهده‌دارند، موظفاند برابر مقررات منشور ملل متحد، وسایل تحقق حق آزادی مردم (۱۰) در تعیین سرنوشت خود را تسهیل کرده و آن را محترم شمارند.

در سال ۱۹۷۷ «قطعنامه اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در مورد روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها بر اساس منشور ملل متحد» مفهوم وسیع‌تری از اصل حق تعیین سرنوشت را ارائه کرد. یکی از اصول هفتگانه این اعلامیه اصل حقوق برابر و تعیین سرنوشت بود. این اعلامیه خواستار پرهیز دولت‌ها از اقدامات قهرآمیز در جهت محروم کردن از حق تعیین سرنوشت شد که در غیر این صورت مردم در بر اساس این مبارزه علیه چنین دولتی از حمایت بین‌المللی برخوردار می‌شوند(۱۱).

اعلامیه در پروتکل الحاقی به عهدنامه‌های ژنو ۱۹۴۹ در زمینه حقوق بین‌المللی بشردوستانه، در جهت اعمال حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود آمده است:

نهیضت‌های آزادی‌بخش ملی در صورتی می‌توانند از این پروتکل پیوسته از حقوق و تکالیف مقرر در آن برخوردار شوند که اولاً درخواست الحاق توسط مقامی که نماینده ملتی است صورت گرفته باشد. ثانیاً چنین ملتی درگیر مخاصمه از نوع مخاصمات مسلحانه مردم یک سرزمین علیه سلطه استعماری و اشغال خارجی و علیه رژیم نژادپرست باشد. بدین ترتیب در این پروتکل، شرایط اعطای اعتبار به جنگ‌های آزادی‌بخش ملی در راستای (۱۲) حق تعیین سرنوشت را مشاهده می‌کنیم.

در راستای مبارزه هرچه‌تمام‌تر با استعمار در سال ۱۹۹۰ مجمع عمومی سازمان ملل، دهه ۱۹۹۰-۲۰۰۰ را دهه بین‌المللی برای ریشه‌کنی استعمار نامید که برنامه‌های خاصی برای اقدام طرح‌ریزی می‌کرد. در سال ۲۰۰۱ پیرو این اقدام و پایان دهه اول ریشه‌کنی استعمار، مجمع دومین دهه استعمارزدایی را نیز اعلام کرد، به این ترتیب دهه ۲۰۰۱-۲۰۱۰ دومین دهه استعمارزدایی نام گرفت. (۱۳) در آغاز دومین دهه استعمارزدایی و در ۲۲ مارس ۲۰۰۱ دبیر کل سازمان ملل گزارشی در مورد «اجرای اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و مردمان مستعمرات در دهه دوم ریشه‌کنی استعمار» ارائه نمود که در آن به اعمال صورت گرفته توسط دبیر کل و طرح اقدام برای دهه دوم بین‌المللی ریشه‌کنی استعمار اشاره شده است(۱۴).

به این ترتیب پنج جنبه از حق تعیین سرنوشت قابل شناسایی است که عبارت‌اند از:

۱- حق مردمان در چهارچوب یک دولت به داشتن استقلال و برکنار بودن از دخالت دولت‌های دیگر در امور دولشان؛

۲- حق مردمان یک مستعمره که با نیروی بیگانه اداره می‌شود، در پایان دادن به سلطه استعماری و به دست آوردن استقلال؛

۳- حق مردمان برای انتخاب دولتی که می‌خواهند در چهارچوب آن زندگی کنند. این حق به معنای حق انتخاب دولت متبوع یک گروه جمعیتی است و درباره اقلیت‌های قومی، نژادی و ملی می‌تواند به صورت درخواست خودمختاری بیان شود؛

۴- حق تعیین سرنوشت، همچنین به معنای حق مردمان یک سرزمین برای گزینش نظام سیاسی دلخواهشان است؛

۵- جنبه دیگر از حق تعیین سرنوشت، همان است که در ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده و به معنای حق مشارکت همیشگی، پیوسته، آزاد و برابر مردمان در اداره امور کشورشان است.

در مورد حق تعیین سرنوشت، مسئله شناسایی مردم به‌عنوان واحدهای مشمول حق تعیین سرنوشت مطرح می‌شود. معیارهایی که لازم است در فرایند شناسایی اعمال شوند، دقیقاً تعریف نشده‌اند. با این حال در عمل این مسئله از راه‌های مختلف حل شده است. از جمله می‌توان به آیین شناسایی به‌ویژه آیین شناسایی جمعی از طریق قطعنامه‌های مجمع عمومی یا شناسایی جمعی دولت‌هایی که به صورت انفرادی عمل می‌کردند، اشاره کرد که استقلال نامیبیا و بنگلادش به این صورت مشروعیت یافت (۱۵).

سازمان ملل در جهت اجرای اصل حق تعیین سرنوشت تلاش‌های مستمری را به اجرا گذارد که از جمله این‌ها می‌توان به نظارت بر انتخاباتی که منجر به استقلال توگولند در سال‌های ۱۹۵۶ و ۱۹۶۸، سامورای غربی در سال ۱۹۶۱، نامیبیا در سال ۱۹۸۹ و تیمور شرقی در سال ۲۰۰۱ گردید، اشاره کرد (۱۶).

با توجه به اوصاف فوق آشکار است که ملت تورک آذربایجان به‌مثابه یک ملت تاریخی در مواجهه با دولت و کشور ایران حائز شرایط برخورداری از حق تعیین سرنوشت می‌باشد. زیرا از زمان استقرار دولت ائتئیکی فارس در ایران در سال ۱۹۲۵ ملت تورک به‌عنوان یک ملت محکوم که حق حاکمیت ملی خود را از کف داده است مورد انواع مظالم، تبعیض‌ها و اجحاف‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی قرار گرفته است و سرزمین آذربایجان جنوبی عملاً به مستعمره کشور موسوم به ایران تبدیل شده است. در طول نود سال گذشته تورک‌های آذربایجان بارها و بارها نه در حرف بلکه در عمل ثابت کرده‌اند که در هر شرایطی دارای شعور جمعی مجزای خود هستند و می‌خواهند بر مقدرات خویش حاکم باشند. قانون متریقی انجمن‌های ایالتی و ولایتی که به ابتکار و اصرار آذربایجان در قانون اساسی مشروطه گنجانده شد، تمایل به استقلال رأی آذربایجان در جنبش شیخ محمد خیابانی، استدلال‌های آشکار و مستحکم فرقه دمکرات آذربایجان، مخالفت صریح با اصل استبدادی ولایت‌فقیه و درخواست اجرای قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی توسط آیت‌الله شهید سید کاظم شریعتمداری و حزب خلق مسلمان و گفتمان صریح فاز نوین حرکت ملی آذربایجان همه گویای این واقعیت است که آذربایجان جنوبی از دیرباز و هم‌اکنون در پی احقاق حق مسلم تعیین سرنوشت خویش می‌باشد.

بر هر داور بی‌طرفی محرز است که هر پنج جنبه اصل حق تعیین سرنوشت بر ملت تورک آذربایجان جنوبی مصداق دارد و این ملت بایستی امکان استفاده از این حق خود را به دست آورد.

پی‌نوشت‌ها:

1. Tansill Charles C., Documents Illustrative of the Formation of the Union of the American States, Government Printing Office, Washington www.teachingamericanhistory.org/ratification/tansill/, p. 22

2. Simma, Op. cit., p. 62.

۳. آقای، همان، ص. ۸۶.

4. Subcommittee on the United Nations Charter, Review of the United Nations Charter: A Collection of Documents, Pursuant to S. Res. 126, 83d Congress, 1st Session, Washington, Government Printing Office, 1954, pp. 37-38

5. Simma, Op. cit., pp. 57-72.

6. Declaration on the Granting of Independence to Colonial Countries and Peoples, G. A. res. 1514 (XV), 15 U. N. GAOR Supp. (No. 16) at 66, U. N. Doc. A/4684 (1961). www1.umn.edu/humanrts/instreet/cldgicpc.htm

7. [ecolonization, www.un.org/en/globalissues/decolonization/index.shtml](http://www.un.org/en/globalissues/decolonization/index.shtml)

8. General Assembly resolution 1803 (XVII) of 14 December 1962, "Permanent sovereignty over natural resources" www2.ohchr.org/english/law/resources.htm

۹. مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، حقایق اساسی درباره سازمان ملل متحد، مترجم: علی کسمایی، (تهران: مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، ۱۳۸۴)، صص ۲۵۴-۲۵۶.

10. "The United Nations International Covenant on Civil and Political Rights", www.hrweb.org/legal/cpr.html

11. Un General Assembly Resolution 2625 (XXV), Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relation and Co-operation among States in accordance with the Charter of the United Nations (A/8082) www.yudikorsou.com/download/UN%20GENERAL%20ASSEMBLY%20RESOLUTION%202625.doc

۱۲. محمدرضا ضیایی بیگدلی، حقوق بینالملل عمومی، (تهران: گنج دانش، ۱۳۸۷)، ص ۳۰۱.

13. Decolonization, www.un.org/aboutun/untoday/decolonization.htm

14. General Assembly, "A/56/61", Second International Decade for the Eradication of Colonialism, www.un.org/documents/ga/docs/56/a5661.pdf

۱۵. ایان براتلی، حقوق بینالملل در واپسین سالهای قرن بیستم، مترجم: صالح رضایی پیشرباط، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بینالمللی، ۱۳۸۶)، ص ۵۲.

16. Decolonization, www.un.org/aboutun/untoday/decolonization.htm

چرا هویت طلب هستیم؟ رعنا آغدام

هر چه اجتماع بزرگ‌تر می‌شود و پهنای جمعیت گسترش می‌یابد؛ من به‌عنوان یک کودک، وارد جامعه بزرگ‌تری می‌شوم. انسان‌ها متفاوت‌تر، روابط پیچیده‌تر و سلاطین نیز بی‌شمار می‌شوند. گاهی افکارم، به دلیل روابط اجتماعی اجباری با انسان‌ها در دریایی از سؤالات، سردرگم می‌شوند.

چرا من نباید خود خود باشم؟

چرا به‌زور تصویب قوانین غیرانسانی، هویت و فردیت من را از من می‌گیرند؟

راستی در چنین جامعه‌ای، حکومت تا چه حد حق تعیین سرنوشت من و جامعه‌ی من را دارد؟

به‌عنوان یک انسان حقیقی، چگونه می‌توانم از هویت، فرهنگ، زبان، تاریخ و اسطوره‌های خود حفاظت کنم؟

تا ۶ سالگی به‌عنوان یک کودک تورک، درگیر جوامع کوچک‌تری بودم (مثل: خانواده، فامیل، همبازی‌هایم و همسایه‌ها). بیشتر دوران کودکیم را با فرهنگ، زبان، آداب، سنت‌ها و رسوم خاندان و سرزمین خودم سپری کردم. تقریباً همه‌چیز برایم، عادی، صمیمی، خودمانی و قابل‌درک بود. هیچ جبر و دستوری و هیچ اجباری حس نمی‌کردم. آزاد بودم که خود خودم باشم.

با ورود به دبستان با قوانین ساختگی و سیستم فاشیستی مدرسه که از طرف دولت مرکزی سیاست‌گذاری و اداره می‌شد، روبرو شدم! درحالی‌که که قبلاً اصلاً رابطه‌ای با قوانین فاشیستی نداشتم و به‌عنوان یک کودک آزاد و مستقل، تربیت‌شده بودم. هرچه بزرگ‌تر می‌شدم و از کلاسی به کلاسی بالاتر می‌رفتم، قوانین ناعادلانه و ظالمانه حکومت فاشیستی را بیشتر حس می‌کردم.

وقتی به خودم برگشتم، متوجه شدم من همان کودکی که تا ۶ سالگی آزادی افکار و اندیشه‌های خودم را داشتم و با فرهنگ، تاریخ، زبان، موسیقی و ادبیات سرزمین خودم بزرگ‌شده بودم، نیستم.

دولت به بهانه آموزش مدرسه‌ای، قصد داشت من را به‌غیراز آن انسانی که بودم، تبدیل کند و هویت فرهنگی و تورک بودنم را از من بگیرد. حکومت دیکتاتوری می‌خواهد چیزهایی را از درون من بدزد و به‌جای آن‌ها چیزهایی که خودش صلاح می‌داند، من آن باشم، را به من تحمیل کند، که در حقیقت متعلق به من نیستند. کنار آمدن با چنین مسائلی برای من کودک، غیرقابل‌هضم بود!

درست است این موضوع برای من غریب و ناآشنا بود، ولی انگار سناریوی جدیدی هم نبود! و از چندین سال قبل، از زمان شاهان پهلوی نیز رایج بود! چنین حکومت‌های فاشیستی می‌خواستند من را از درون خالی کنند، یعنی هویت من را بدزدند.

مشکل از جایی شروع می‌شود که بشری که واژه فارسی را با خود یدک می‌کشد، به خود حق می‌دهد، پا روی محدوده اختیارات و آزادی‌های من بگذارد! دولت فاشیستی فارس هم، در جامعه‌ای با آموزش سیستماتیک و اجباری و بدون حق اظهارنظر سایر ملیت‌ها، می‌خواهد تنها یک نوع مذهب، تنها یک نوع زبان، تنها یک نوع پوشش و لباس، تنها یک نوع خواندن و نوشتن، تنها یک نوع فرهنگ و تاریخ و حتی تنها یک نوع خاصی از سبک موسیقی، شعر و ادبیات را به من تحمیل کند.

از وقتی وارد دبستان شدم، با یک نوع پوشش، یک نوع مذهب و بدتر از همه، با یک نوع زبان (زبان بیگانه فارسی) روبرو شدم که قرار بر این بود به هویت و زبان تورکی من تحمیل شود. تحمیل باورهای مذهبی، فرهنگی و زبانی متفاوت و حتی متضاد با آنچه داشتم، باعث عکس‌العمل و واکنشی در من شد، تا برای حفظ هویت واقعی خودم تلاش کنم.

بامطالعه وضعیت ایران قبل از انقلاب و بعدازآن، به این نتیجه رسیدم که بسیاری از باورهای فرهنگی غلطی که به خورد من و ماها داده‌اند، برای سرزمین من پوچ و نامناسب هستند و باید از صحنه سیاست و جامعه آذربایجان کنار گذاشته شوند.

در کشوری که بیش از یک ملیت در آن ساکن هستند، تحمیل یک نوع هویت، همه مردم را دچار «خألاً فرهنگی» می‌کند. چنین کشوری از لحاظ ارزش‌های انسانی و فرهنگی، بسیار «سست و مبهم» است و همیشه در «بحران و ناپایداری» بسر می‌برد.

با چنین سیاست‌های تحمیلی فاشیستی و غلط فرهنگی، حس هویت طلبی، زیباترین حسی است که موجودیت انسان‌ها را نجات می‌دهد. این هویت خواهی نژادی، زبانی، فرهنگی، تاریخی و ... خالی از هرگونه برچسب و انگ نژادپرستی است.

همه انسان‌ها به‌عنوان اولین و حیاتی‌ترین حقوق خود، در هر جامعه‌ای باید آزادانه دنبال هویت خود باشند. باید بدانیم که جز خود من و ماها، هیچ‌کس حق تعیین سرنوشت ما را ندارد. تنها ما حق تعیین سرنوشت سرزمین و زبان راداریم. برای همین هویت طلب بودن من و تک‌تک آذربایجانی‌ها، حق قطعی و حتمی ماست.

نه دن هئج شاشير مادييم؟! – محمدرضا هيئت

باشيندان بری سؤيله ديگيم بير شئی وار: آسيميلاسيون و فارسلاشديرما سياستی داوام اتديکجه، ايراندا تورک ديلي نين تدریسی ايله باغلی وئرلين سؤزلر اينانديريجي دئييل. بير گون ده مجبوريتدن بير آدديم آتيليرسا، اوزونه- گؤزونه بولاشديريلير.

بونون سون اؤرنکلريندن بيرينجیسی، تبریزده تورک ديلي قورومو يئرینه ایشی، گؤرهوی، سوروملوسو و هدفلی بلی اولمايان، يا دا تورکلوپون عليهينه فعاليت گؤسترن ”آذربايجان کولتور و ادبیات قورومو“ نون آچيلماسی و سون اؤرنگی ده يئنه تبریزده ”آذری تورکجهسی“ بؤلومونون آچيلماسی و استاندارد تورک ديلي يئرینه، تبریز لهجهسی نين اساس آيلنماسی دير.

تورک ديلي قورومو حاقيندا داها اؤنجه کی يازيلاريمدا و سؤيلشيليريمده دوشونجه ليريمي ايفاده اتميشديم و دئيميشديم کی، اگر جيدی بير دگيشيکليک اولاجاقسا، بو ديل قورومو و يا ديلين تدریسی ايله باشلامالی دير. نه دن؟ چونکو اوندان اؤنجه بعضی شيليرين دوزلديلمه سی گرکير. نه دن؟ چونکو رسمی يئتکيلير هله ده گئچن يوز ايلده تورکلره قارشى ياپيلان حاقسيزليقلاری اعتراف اتمکدن چکينيرلر. چونکو هله ده درس کيتابلاريندا تورکلر يابانجی وحشى و کؤله اولاراق گؤستريلير. چونکو هله ده قزته لرده، درگيلرده، تلویزيون کاناللاريندا، سينمالاردا تورکلره حقارت اولونور و حقارت ائدنلر جزالانديريلمير. چونکو آسيميلاسيون سياستی گئتديکجه گوجلنه رک داوام ائدير. نه دن؟ چونکو آنا ديلينده تحصيل حاقی ايسته ينلر هله ده پان تورکيست و بؤلجو دامغالاری ايله سوسدورولماغا چاليشيلير...

بو دوروم داوام ائدرکن، تبریز اونيورسيته سينده تورک ديلي نين دوغرو- دوزگون تدریس ائديله جگينه اينانماق، بو خبره موتلو اولماق و بونو بير باشاری کیمی آغیلاماق منجه صافليقدير، ساده ليکدير.

يوخاريدا سايدیغيم نه دنلره بير نئچه سيني ده اکله مک ايسته ييرم:

– تبریز اونيورسيته سينده تورک ديلي بؤلومونون آچيلاجای خبری، باش وورو تاريخی نين سون اوچ-دؤرد گونونده آچيقلاندى. آماج، آز سايدا اؤيرنجی نين بو بؤلومو سئچمه سی و بو وسيله ايله ده بؤلومون خالق

طرفیندن یاخشی قارشیلانمادیغی نین، دولاییسی ایله ”خالقین اساس طلبی نین دیل اولمادیغی“ نین اثبات ائدیلمگه چالیشیلماسی ایدی.

– آچیلماق اولان بؤلومون باشقانی سایین احمد فرشبافیان، فارس دیلی و ادبیاتی دوکتورودور، ایندییه قدر تورک دیلی و ادبیاتی ایله ایلیگیلی دوغرو – دوزگون نه بیر مقاله سی نه ده کیتابی وار. تام ترسینه قوزئی آذربایجانلیلار فارسجا اؤیرتمه قونوسوندا اولدوقجا تجربه لی دیر.

– جمهورباشقانی حسن روحانی نین اتیکلر و آزینلیقلار اوزره یاردیمجیسی، گؤردویو ایشی ساووناجاق (مدافعه ائده جک) قدر بیلیگییه صاحب دئیل. بؤلومده هانسی درس لرین تدریس اولاجاغیندان خبرسیز دیر، تاریخی تورک قایناقلاری نین موغوللار عاید اولدوغو یالانینا هامیدان اؤنجه او اینانیر و درس لره ایران قایناقلاری نین اساس آینماسی گر کدیگینی وورغولاییر. حالبوکی، زامانیندا بو قایناقلارین باسیلماسی اوچون دؤلت طرفیندن هئچ بیر دستک وئرلمزکن، منفرد اولاراق بو کیتاب لاری حاضر لایانلار دا هر بیر کیتاب اوچون آیلا رجا، حتی ایل لرجه ارشاد اداره سینیه گئدیپ ایذین آلماق اوچون کیتابین فیدالی اولدوغونو فرقلی یؤنتملرله قانیتلاماغا چالیشماق زوروندا قالیردی.

– نه دنسه مسئله تورک دیلی اولونجا، ایکی قروپ انسان اورتایا چیخیر: بیر قورخودان، بیر قورخان. داها دوغروسو قورخانلار، قورخما یانلاری دا قورخوماق ایسته ییر. فارس دیلی قورومو یئتکی لیری، تورکجه نین تدریسیندن قورخور؛ باشقا بیر قروپ اورادا وئر یله جک درس لرین محتواسیندان قورخور، سایین علی یونسی بونلارین قورخوسوندا قورخور و تبریزده کی بؤلوم باشقانی بونلارین هامیسیندان قورخور و عجله ایله آچیقلاما یاپاراق دئیر کی، قورخما یین! ائله بیر دیل اؤیره ده جگیک کی، اؤیرنمک ایسته ینلر اؤزلری پشمان اولاجاق: ”درس لر تبریز لهجه سینده وئر یله جک!“

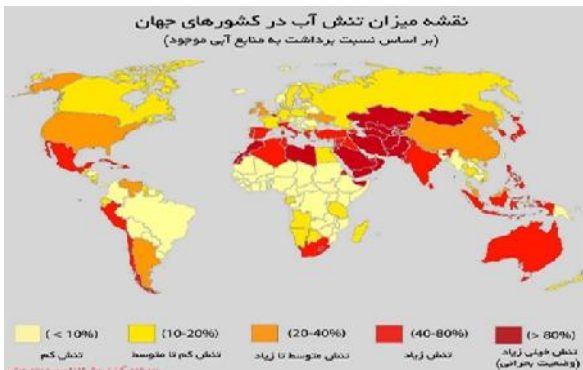
– البته بعضی لرینه گؤره، بو اؤزو بؤیوک بیر گلیشمه دیر. آنجاق منه گؤره، یوز ایل دیل یاساغیندان سونرا بیر بؤلومون آچیلماسی و اورادا تبریز آغیزی نین استاندارد تورک دیلی یئرینه قویولماغا چالیشیلماسی، بؤیوک بیر حقارت دیر. بو دیل یا یاساق قالاجاق، یا دا لایق اولدوغو شکیلده تدریس اولوناجاق. تورک دیلی، کیمسه نین اویونجاغی اولمامالی دیر.

بحران آب در بستر شکاف قومی در ایران - حمزه اربابی

اندیشکده ی چتم هاوس که طبق مطالعات دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا دومین اندیشکده ی برتر جهانی است (رتبه بندی اندیشکده های جهان بر اساس مطالعات دانشگاه پنسیلوانیا: <http://goo.gl/swCy6F>) در مقاله ای که به قلم مارک زیتون منتشر نمود رودخانه ها و آب های مشترک در خاورمیانه را عامل جنگ در آینده ای نزدیک در منطقه ابراز نموده است (سایت اشراف: اهمیت آب در ژئوپلیتیک خاورمیانه - <http://goo.gl/UYAlum>). در کنار این هشدار اندیشکده ی چتم هاوس، اندیشکده صلح ایالات متحده آمریکا در مقاله ای به قلم دیوید میشل، سرپرست برنامه امنیت زیست محیطی در اندیشکده مرکز استیمسون به بررسی معضلات زیست محیطی و تغییرات جوی و آب و هوایی ایران پرداخته و با اشاره به هزینه های تحمیل شده از سوی این معضلات بر نظام اقتصادی کشور، تأکید می کند که در حال حاضر خطری که از جانب بحران قریب الوقوع زیست محیطی و آب و هوایی ایران احساس می شود، به مراتب بیش از خطر دشمنان خارجی و منازعات سیاسی داخلی است. ایشان در این مقاله بحران آب در ایران را بحرانی جدی بیان داشته اند که در

آینده ای نزدیک سبب بحرانهای عمیق در این کشور خواهد شد (سایت مدیر ایران: <http://goo.gl/xWtOfP>).

مؤسسه ی منابع جهانی در گزارشی که در سال ۲۰۱۳ میلادی منتشر نمود به بررسی تنش های آبی موجود در جهان پرداخت که با در نظر گرفتن شاخص نسبت



برداشت به منابع آبی موجود سنجیده شده بود. خلاصه ی این گزارش در قالب نقشه ای منتشر گشت که وضعیت کشورهای مختلف جهان را در این خصوص نشان می داد. ایران در رتبه بندی صورت گرفته از سوی این مؤسسه جز کشورهای دارای تنش خیلی زیاد و در وضعیت بحرانی قرار داشت.

در کنار بحران آب موجود در ایران مطالعه ی کنش های قومی-ملی در ایران نشانگر وجود شکاف جدی میان اقوام ساکن در ایران می باشد. سید یحیی (رحیم) صفوی مشاور ارشد آیت الله خامنه ای و فرمانده کل سابق سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران در مقاله ای با عنوان مدیریت بحران های قومی، عوامل و ریشه های بحران قومی در ایران پس از انقلاب اسلامی که از سوی دانشگاه جامع امام حسین وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و در فصلنامه مطالعات انتظامی منشتر گشته است به وجود بحرانهای قومی در ایران اذعان داشته و به بررسی شاخص های تاثیرگذار در این بحران ها پرداخته است. (صفوی، سیدیحیی؛ علی پور، عباس ۱۳۹۰، تابستان) عوامل و ریشه های بحران قومی در ایران پس از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: کردستان) فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، ۶(۲)، صفحات ۱۹۴-۲۰۷). ایشان در این مقاله یکی از نقطه های حساسی که جمهوری اسلامی را آسیب پذیر می نماید خواسته های قومی بیان گشته و امری استراتژیک برای ایران بیان گشته است.

بررسی سیاستهای جمهوری اسلامی ایران در سی سال اخیر نشانگر آن است که سیاستمداران و مسئولین جمهوری اسلامی ایران همواره در قبال خواسته های قومی-ملی سکوت را ترجیح داده و نادیده انگارانه بدین مسئله پرداخته اند. اما تغییرات روی داده در زمینه ی ارتباطات، اثرات جهانی شدن و تضعیف تشیع سیاسی در ایران سبب افزایش مطالبات قومی-ملی در ایران شده است و نمود این افزایش خواستها را می توان در تجمعات خیابانی گوناگون که با محوریت شعارهای قوم محور صورت می گیرد مشاهده نمود. فعالین قومی-ملی موجود در ایران سیستم موجود در جمهوری اسلامی ایران را سیستمی نژادپرست، تبعیض آمیز و مغایر با منشورهای بین المللی حقوق بشر و حقوق اقوام بیان داشته و خواستار رفع ستم موجود در ایران می باشند.

اما نکته ای که در شکافهای قومی موجود در ایران قابل توجه می باشد پیوند تاثیرات اجتماعی بحران کم آبی در ایران و خواسته های قومی می باشد. اعتراضاتی که در سالهای اخیر در مناطق مختلف ایران در قبال بحران کم آبی صورت گرفته است رنگ و بوی قومی-ملی به خود گرفته است. نمونه ی بارز این ادعا اعتراض ترکهای آذربایجانی ساکن در شمالغرب ایران به سیاست های جمهوری اسلامی ایران در قبال خشک شدن دریاچه ای اورمیه، اعتراض عربهای ساکن در جنوب غربی ایران به انتقال آب سرچشمه ی رودخانه ی کارون به مرکز

ایران و اعتراض بلوچهای ساکن در جنوبشرقی ایران به سیاست های جمهوری اسلامی ایران در خصوص خشک شدن دریاچه ی هامون می باشد.

دریاچه ی اورمیه بزرگترین دریاچه ی شور خاورمیانه و آسیای غربی بوده است که در سالهای اخیر با خطر خشک شدن مواجه گشته است. بررسی تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۵ دریاچه ۸۸ درصد مساحت خود را از دست داده است. (تصاویر مربوطه: <http://goo.gl/tsmKco>). در خصوص علل خشک شدن این دریاچه تاکنون فرضیه های گوناگونی مطرح شده است. درحالی که مسئولین جمهوری اسلامی ایران خشکسالی را عامل اصلی این خشکسالی می دانند تحقیقی توسط چند تن از محققان در آمریکای شمالی نشان می‌دهد که خشکسالی تنها باعث کاهش ۵ درصدی بارش در حوزه آبریز دریاچه شده و عوامل انسانی شامل پروژه‌های جاه‌طلبانه توسعه اقتصادی-آبی به همراه ساخت بزرگراه ۱۵ کیلومتری بر روی دریاچه با دریچه کوچک ۱/۲ کیلومتری وضعیت دریاچه را به بحران کشانیده است (منبع: <http://goo.gl/tsmKco>). بنا به ادعای برخی از فعالین مدنی آذربایجانی مسئولین جمهوری اسلامی ایران به صورت عمدی اقدام به خشکانیدن این دریاچه نموده اند تا بافت جمعیتی منطقه تغییر پیدا کند و ترکهای ساکن در اطراف این دریاچه مجبور به مهاجرت گردند. خشک شدن دریاچه ی اورمیه و سیاستهای مسئولین جمهوری اسلامی ایران در بی اعتنائی به وضعیت این دریاچه منجر به اعتراضات گوناگونی در شهرهای مختلف ترک نشین گشت و ده ها نفر از تظاهرات کنندگان در این تجمعات از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند (سایت آرازنیوز: <http://araznews.org/en/archives/582>).

رود کارون پرآب‌ترین و بزرگ‌ترین رودخانه ایران است. این رود در سنگ نوشته‌های باستانی کرن، کرنک و کوه‌رنگ نیز نامیده می‌شد و اولین تمدن‌های بشری در کنار این رود تشکیل گردیده است. جمعیت ساکن در اطراف این رود را عربهای ساکن در ایران تشکیل می دهد. مسئولین جمهوری اسلامی ایران با توجه به اثرات بحران کم آبی بر منطقه ی فارس نشین اصفهان سعی داشتند که توسط پروژه ای با عنوان طرح بهشت آباد، آب این رود را به مرکز ایران منتقل نمایند. طرح بهشت آباد به اعتراض عربهای ساکن در اطراف رود کارون منجر شد و ساکنین با پارچه نوشته های عربی و سردادن شعارهای عربی بدین تصمیم مسئولین جمهوری اسلامی ایران اعتراض نمودند.

دریاچه ی هامون پیش از خشک شدن به عنوان هفتمین تالاب بین المللی جهان و بزرگترین دریاچه ی آب شیرین در ایران بود. مردم ساکن در اطراف این دریاچه بلوچ های ایران بودند که پس از خشک شدن این دریاچه سه هزار خانواده مجبور به مهاجرت از اطراف این دریاچه شد (منبع: اظهارات نماینده زایل خانم حلیمه عالی- روزنامه شرق شماره ۲۶۷۷- ۱۸/۰۶/۱۳۹۵). پس از خشک شدن این دریاچه صدها روستای استان سیستان و بلوچستان در محاصره ی بادهای شن درآمد. وضعیت اسفناک منطقه چنان حالت بحرانی به خود گرفت که عباسعلی نورا نماینده ی سابق زایل درباره ی خطر خالی شدن سیستان از سکنه هشدار داد (عصر هامون: <http://goo.gl/n5pWPs>). در تاریخ پنجم دی ۱۳۹۲ همزمان با سفر رئیس سازمان محیط زیست وقت خانم معصومه ابتکار به استان سیستان و بلوچستان جمعی از بلوچهای ساکن در منطقه اقدام به برگزاری زنجیره ی انسانی در حمایت از حفاظت از تالاب هامون نمودند (سایت خبرگزاری دانشجویان ایران: <http://goo.gl/XXUWqN>).

****اخبار****

دهمین سالگرد تاسیس تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان گرامی داشته شد

با حضور جمع کثیری از اعضا، هواداران و میهمانان دهمین سالگرد تاسیس تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان گرامی داشته شد.

مراسم دهمین سالگرد تاسیس تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان (آذربایجان میلی دیرنیش تشکیلاتی) با حضور مسئولین تشکیلاتی، اعضا، هواداران و مهمانانی از سایر تشکیلات های فعال حرکت ملی آذربایجان در آذربایجان جنوبی برگزار شد.

در این مراسم یکی از اعضا شورای مرکزی تشکیلات مقاومت ملی ضمن خوشآمد گویی به میهمانان با یاد کردن از شهدای مبارزات ملی آذربایجان و همچنین آرزوی آزادی تمامی زندانیان سیاسی به تحلیل ضرورت تاریخی سازماندهی نیروهای ملی در چارچوب تشکلهای منظم و منسجم و تقویت روحیه تشکل گرایی بین دانشجویان، جوانان، زنان و مردم عادی و خروج از محفل گرایی پرداخت.

در این مراسم که مسئولین کمیته های شهری و اعضای از شاخه جوانان، دانشجویی، زنان و کارگران تشکیلات مقاومت ملی حضور داشتند، یکی از مسئولین کمیته های شهری تشکیلات مقاومت ملی با اشاره به حوادث سیاسی و تروریستی در منطقه خواستار اتحاد و نزدیکی نیروهای حرکت ملی و بالا بردن روحیه تعامل بین نیروها شد. این مسئول تشکیلاتی همچنین به ارزیابی حضور گروه های تروریستی و ادعاهای واهی آنان در غرب آذربایجان پرداخته و تحولات سوریه - شمال عراق و اقدامات تروریستی جنوب شرق تورکیه را کاملا هدفدار و این جنایات و اقدامات تروریستی را بخشی از پروژه تغییر تورکیب جمعیتی برخی مناطق به نفع یک گروه قومی خاص دانست. وی همچنین از تأثیرات منفی و خطرناک اقدامات تروریستی پ ک ک در جنوب شرق تورکیه بر منطقه غرب آذربایجان و پروژه کانتون سازی در غرب آذربایجان خصوصا در نزدیکی شهر اورمیه در هر بحران احتمالی در غرب آذربایجان خبر داد.

طی مراسم یکی از اعضا شاخه جوانان تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان با قرائت شعری زیبا جوانان را پیش آهنگان مبارزات ملی و ستون فقرات تشکیلات مقاومت ملی عنوان کرد و بر بسط عضوگیری تشکیلات از بین جوانان تاکید نمود.

در این مراسم که اعضا شاخه زنان تشکیلات مقاومت ملی نیز حضور داشتند از نقش پررنگ زنان در بطن و بدنه تشکیلات قدر دانی شده و از اهمیت دادن تشکیلات به حضور زنان در عرصه مبارزاتی را بسیار مهم و خوب ارزیابی کردند.

در بخش دیگری از برنامه مهمانان حاضر از سایر تشکیلات ها ضمن تبریک دهمین سالگرد تشکیلات مقاومت ملی به ارزیابی شرایط موجود حاکم بر حرکت ملی و راه های برون رفت از بن بست ها پرداختند.

در بخش پایانی مراسم با توزیع جزوات تئوریک تشکیلات مقاومت ملی کیکی به شکل سمبل حرکت ملی آذربایجان جنوبی با هلال و ستاره سیاه بریده شد.

لازم به توضیح است که تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان در تاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۸۴ با مشی مبارزات مدنی و منفی به صورت مخفی و نیمه مخفی در آذربایجان جنوبی تاسیس شد و در ده سال گذشته توانست گستره و زیر مجموعه های تشکیلاتی خود را به شهرها و دانشگاه ها و کشورهای مختلف بسط دهد.

تشکیلات مقاومت آذربایجان در ده سال گذشته با انتشارات جزوات، کتب، سی دی، بوشور و ... مختلف در ترویج افکار و مطالبات ملی نقش پررنگی داشته و در اکثر حوزه های مبارزاتی و میدانی نقش مهمی ایفا کرده است. این تشکیلات در بخش خبررسانی خصوصا خبررسانی اینترنتی نیز حضوری موثر و پررنگ داشته است.

در ۱۰ سال گذشته حمایت از زندانیان سیاسی و خانواده های این عزیزان از اهداف و مشغله های اصلی تشکیلات مقاومت آذربایجان بوده است.

تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان که به صورت شورایی اداره می شود و در حال حاضر آقای بابک چلبیانی سخنگویی آن را بر عهده دارد در خارج از کشور به صورت علنی فعالیت نموده و با فعالیتهای مختلف صدای رسای ملت تورک آذربایجان جنوبی و زندانیان سیاسی آذربایجان می باشد. در داخل نیز کمیته های و هسته های شهری و دانشگاهی به همراه دیگر کمیته های تخصصی تشکیلات حضور پررنگی در بطن جامعه آذربایجان جنوبی و دیگر جوامع تورک تبار ایران داشته و در غالب تحولات و رخدادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایفای نقش می کنند.

این تشکیلات همانگونه که در مرامنامه خود اعلام کرده است خواستار احقاق تمامی حقوق فردی و اجتماعی ملت تورک در آذربایجان جنوبی و مناطق تورک نشین ایران من جمله حقوق اقتصادی، سیاسی، فرهنگی می باشد و مبارزات خود را علی الخصوص بر احقاق حق تعیین سرنوشت ملت تورک در آذربایجان جنوبی متمرکز کرده است.

تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان در عین حالی که معتقد است سرزمین آذربایجان وطن تاریخی ملت تورک می باشد و طبعاً نیز اداره و تعیین مقدرات آن حق اکثریت مطلق مردم آن یعنی تورکهای آذربایجان می باشد و در راه صیانت از هر وجب خاک آذربایجان حاضر به هر گونه فداکاری و مجادله می باشد، در عین حال تمامی اقلیتهای ساکن در اراضی تاریخی آذربایجان را شهروندان درجه یک آذربایجان دانسته و قائل به تمامی حقوق فردی و اجتماعی اقلیتهای قومی، اعتقادی و جنسیتی

می باشد. این تشکیلات از بدو تولد دارای رویکرد ملی به معنای مدرن آن بوده و با هرگونه رویکرد قومی خشونت آمیز (خواه خشونت فیزیکی، خواه خشونت فکری، خواه خشونت کلامی) مجادله کرده است. همانگونه اکثریت تورک جمعیت آذربایجان جنوبی به عنوان یک ملت تاریخی و یک ملت بدون دولت امروزی حق دارد در محدوده تاریخی آذربایجان جنوبی مقدرات خود را تعیین کند تمامی اقلیتهای ساکن در این محدوده حق دارند و بایستی در این پروسه شریک و سهیم باشند.



فایل پی دی اف ویژه نامه ی توپراق که در آذربایجان جنوبی به مناسبت هفته ی سولدوز

منتشر شد

در فروردین ماه امسال (۱۳۹۵) نشریه توپراق ویژه هفته سولدوز در آذربایجان جنوبی منتشر شد که فایل پی دی اف آن بدین طریق تقدیم ملت ترک آذربایجان می شود.

پس از انقلاب ۵۷ ایران برخی از گروههای تروریستی و خشونت محور گردی در غرب آذربایجان از خلا قدرت به وجود آمده در ایران سوء استفاده نموده و به بهانه ی اعلان خودمختاری به کشتار ترکان غرب آذربایجان پرداختند. در آن زمان که حکومت مرکزی توسط ملی-مذهبی ها اداره می شد و استانداران توسط این گروه تعیین می گردید از ورود نیروهای نظامی مرکزی به بهانه های واهی ممانعت به عمل آمده و گروههای تروریستی بالغ بر هزار نفر از شهروندان سولدوز در غرب آذربایجان را به قتل رساندند.

جهت ادای دین به شهدای سولدوز فعالین حرکت ملی آذربایجان اقدام به نامگذاری هفته ای به نام هفته ی سولدوز در سالگرد این قتل عام پرداختند. به مناسبت هفته سولدوز در فروردین ۱۳۹۵ فعالین حرکت ملی آذربایجان در غرب آذربایجان اقدام به انتشار ویژه نامه ی ”توپراق“ با موضوع هفته ی سولدوز نمودند و صدها شماره از این ویژه نامه در شهرهای مختلف آذربایجان جنوبی و در میان گروههای اجتماعی گوناگون همچون دانشجویان، بازاریان، معلمان و ... توزیع گردید.



آغاز به فعالیت تلویزیون اینترنتی "آرآر نیوز تی وی"

تلویزیون اینترنتی "آرآر نیوز تی وی" به عنوان بخش رسانه‌ی تصویری سایت آرآر نیوز، ارگان خبری تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان آغاز به فعالیت خواهد نمود. این تلویزیون اینترنتی در مرحله‌ی آغازین فعالیت خود تلاش خواهد کرد که با برنامه‌های مختلف در قالب خبر، آنالیز رویدادهای هفته و مصاحبه با کارشناسان سیاسی و اساتید مختلف دانشگاهی به انتشار گفتمان حرکت ملی آذربایجان جنوبی بپردازد.

آرآر نیوز تی وی با انتشار اخبار حقوق بشری مرتبط با آذربایجان جنوبی و ایران تلاش خواهد کرد که بایکوت رسانه‌ای موجود در خصوص فعالین حقوق بشر آذربایجانی را شکسته و گامی مؤثر در رساندن صدای حق طلبانه‌ی آذربایجانیان به سهم خود برداشته باشد.

ویدئوی نخست این رسانه ی تصویری شامل سخنان بابک شاهد سردبیر سایت در خصوص اهمیت خبرهای ویدئویی، نگاه رسانه‌های مرکزگرا به حرکت ملی آذربایجان جنوبی و اهداف تاسیس آرآر نیوز تی وی می باشد.

انتشار کتاب “رنسانس هویتی تورکان ایران” از محقق آذربایجانی “علی اصغر حقدار” در آنکارا

کتاب رنسانس هویتی تورکان ایران توسط محقق آذربایجانی، “علی اصغر حقدار” توسط انتشارات “سون چاغ” در آنکارا منتشر شد.



به گزارش آرازیوز، کتاب رنسانس هویتی تورکان ایران حاوی مقدمه ای است در اهمیت موضوع هویتی تورکان ایران در رابطه با مشکل “هویت ملی ایران”؛ مساله هویتی در جهان معاصر و مواجهه ایده ها و اقدامات پان ایرانیستی با هویت، فرهنگ و تاریخ تورکان، سابقه تحقیقات تاریخی و معرفتی در رابطه با تورکان ایران، از دیگر مباحث مقدمه هستند.

سه بخش اصلی کتاب با گفتاری در “واژه شناسی تورک”، به بحث از “تاریخ سیاسی اجتماع تورکان ایران” می پردازد. بخش اول به دیرینه شناسی هویت سیاسی تورکان از ایجاد امپراتوری هون و استمرار حکومت تورکان تا پادشاهی قاجارها در ممالک محروسه ایران پرداخته و شرایط سیاسی تورکان ایران در دوره پسامشروطه و عصر جمهوری اسلامی را گزارش می دهد.

بخش دوم به “زبان و ادبیات تورکان ایران” از تاریخ دیرینه زبان تورکی و تقسیم بندی تاریخی و لهجه های آن پرداخته و سیر تورکی در آذربایجان را با تحولات تاریخی آن به تجدد ادبی در دوره معاصر آذربایجان پیوند می زند.

بخش سوم در “جغرافیای زیستی تورکان ایران” از اقوام و ایلات تورکمن، خلیج، قشقایی و تورکان خراسان گزارش کرده و به آذربایجان که زیست گاه دیرینه تورکان است، اشاره می کند.

کتاب رنسانس هویتی تورکان ایران مشتمل بر پیوستی در تغییر نام واحدهای جغرافیایی آذربایجان از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۸۸ و گزیده کتابشناسی و منابع تحقیقاتی است.



ARAZ NEWS

تلویزیون اینترنتی آرا نیوز

